

Application of Islamic Waqf in Human Capital Development Based on Waqf in Islamic Countries

Majid jafaryan*

Abstract

Human capital accumulation has gained a central role in the recent growing literature; because the performance of a nation and economic prosperity depend on the existence of its physical and human capital. Recent studies show that in the development process, attention to human capital has increased due to the growth of globalization, communication mechanisms and diversity in professional training, and its role in accelerating economic growth, financial processes and wealth creation is increasingly emphasized. On the other hand, in order to consolidate and strengthen human capital, governments need resources that can help them in this development process. The present study seeks to answer the question of how Waqf, as one of the important institutional resources in the history of religious tradition, has been able to help the development of human capital. To answer this question, an attempt is made to analyze within the framework of human capital theory and based on examples of Waqf in Islamic societies how Islamic Waqf has led to the development of human capital in the form of public education and health care.

Keywords: Waqf, Development, Human Capital, Islamic Countries

*. Assistant Professor, Department of Social Ethics, Theology and Family Research Institute, Islamic Sciences and Culture Research Institute.
majidjafarian1357@yahoo.com



تطبيق الوقف الإسلامي في تنمية القوى البشرية استناداً إلى الاوقاف في البلدان الإسلامية

مجيد جعفریان*

الخلاصة

في الآونة الأخيرة أدت القوى البشرية دوراً محورياً في التنمية الادبية ؛ لأن أداء أي أمة و ازدهارها الاقتصادي يعتمدان على وجود رأس مالها المادي و البشري. تشير الدراسات الحديثة إلى أن الاهتمام بالثروة البشرية في عملية التنمية قد ازداد بسبب نمو العولمة و آليات الاتصال و التنوع في التدريب المهني، كما يتزايد التأكيد على دوره في تسريع النمو الاقتصادي و العمليات المالية و خلق الثروات. من ناحية أخرى، فإن الدول تحتاج إلى الموارد لمساعدتها في عملية التنمية هذه من أجل استقرار رأس المال البشري و تعزيزه. الدراسة الحالية توضح الإجابة على السؤال حول كيفية قدرة الوقف باعتباره أحد الموارد المؤسسية المهمة في تاريخ التقاليد الدينية، على المساهمة في تنمية القوى البشرية. للإجابة على هذا السؤال، نحاول في إطار نظرية القوى الانسانية بعنوان رأس المال البشري، و استناداً إلى أمثلة الوقف في المجتمعات الإسلامية، تحليل كيف أدى الوقف الإسلامي في شكل التعليم العام و الرعاية الصحية إلى تنمية رأس المال البشري.

الكلمات المفتاحية: الوقف، التنمية، رأس المال البشري، الدول الإسلامية

* أستاذ مساعد بقسم الأخلاق الاجتماعية و علم الكلام و معهد بحوث الأسرة، معهد بحوث العلوم و الثقافة الإسلامية
majidjafarian1357@yahoo.com

کاربست وقف اسلامی در توسعه سرمایه انسانی با تکیه بر وقوف در کشورهای اسلامی



مقاله پژوهشی مجید جعفریان*

چکیده

انباشت سرمایه انسانی در ادبیات رو به رشد اخیر نقش محوری پیدا کرده است؛ زیرا عملکرد یک ملت و رونق اقتصادی به موجودیت سرمایه فیزیکی و انسانی آن بستگی دارد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد در فرایند توسعه، توجه به سرمایه انسانی به دلیل رشد جهانی شدن، سازوکارهای ارتباطی و تنوع در آموزش‌های حرفه‌ای افزایش یافته و بر نقش آن در تسریع رشد اقتصادی، فرایندهای مالی و خلق ثروت به طور فزاینده‌ای تأکید می‌شود. از سوی دیگر، دولت‌ها جهت تثبیت و تقویت سرمایه انسانی نیازمند منابعی هستند که بتواند به آنها در فرایند این توسعه کمک کند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که وقف به عنوان یکی از منابع نهادی مهم در تاریخ سنت دینی چگونه توانسته به توسعه سرمایه انسانی کمک کند. جهت پاسخ به این پرسش تلاش می‌شود در چارچوب نظریه سرمایه انسانی و با تکیه بر نمونه‌هایی از وقوف در جوامع اسلامی تحلیل شود که وقف اسلامی در قالب آموزش عمومی و بهداشت و درمان چگونه موجب توسعه سرمایه انسانی شده است.

واژگان کلیدی: وقف، توسعه، سرمایه انسانی، کشورهای اسلامی



مقدمه

سرمایه انسانی یکی از مفاهیم برجسته در حوزه علوم اجتماعی است چرا که انباشت سرمایه انسانی در ادبیات روبه رشد اخیر نقش محوری یافته است (Bassanini and Scarpetta, ۲۰۰۲). تئودور شولتز برای اولین بار مفهوم سرمایه انسانی را توسعه داد و گری بکر به این نظریه شهرت بخشید (Germon et al, ۲۰۰۱, ۲۷۳). غالب اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که سرمایه انسانی شامل دانش، مهارت و تجربه است، در حالی که برخی ظاهر، اعتبار شخصیتی و شهرت را به این ترکیب اضافه کرده‌اند. در همین راستا، برخی دیگر معتقدند که سرمایه انسانی از «افراد تحصیل کرده و ماهر» تشکیل شده است. در واقع، همه اینها تصورات جدیدتری از مفهوم سرمایه انسانی به دست داده و آن را به عنوان یک ارزشی قلمداد می‌کنند که می‌توان براساس آن سرمایه‌گذاری کرد. در واقع، باید به سرمایه انسانی به گونه‌ای نگاه کرد که فهمید چه ارتباطی بین عملکرد کارگر با توانایی و رفتار در محیط کار وجود دارد. با این حال، برخی با استناد به بسیاری از مطالعات نتیجه گرفتند که عملکرد یک ملت و رونق اقتصادی به موجودیت سرمایه فیزیکی و انسانی همان کشور بستگی دارد. در واقع، اگرچه، رونق اقتصادی به طور سنتی محور تحقیقات اقتصادی بوده اما، استعداد و افزایش مهارت‌های انسانی که بخش مهمی از سرمایه انسانی تلقی می‌شوند به طور فزاینده‌ای وارد پژوهش‌های علوم اجتماعی و رفتاری شده و نتایج آن بسیار مؤثر بوده‌اند (Olaniyan and Okemakinde, ۲۰۰۸, ۱۵۷).

با وجود این، «سرمایه انسانی با افزایش جهانی‌شدن و اشباع بازار کار به ویژه به دلیل رکود اخیر در اقتصادهای مختلف جهان توجه گسترده‌تری را به خود جلب کرده است. همه کشورها با اختصاص تلاش و زمان لازم برای تسریع رشد اقتصادی، بر توسعه بیشتر سرمایه انسانی تاکید دارند. بنابراین برای ورود به عرصه بین المللی، یکی از راه حل‌های اساسی، توسعه سرمایه انسانی است. بررسی دیدگاه‌های تجربی نشان می‌دهد که «توسعه سرمایه انسانی به فرآیندهای مربوط به آموزش و سایر ابتکارات حرفه‌ای برای افزایش سطح دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، ارزش‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی کارکنان اشاره دارد که منجر به رضایت و عملکرد کارکنان و در نهایت افزایش عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌شود (MariMuth et al, ۲۰۰۹, ۱۸۸). بررسی اسناد وقفی نشان می‌دهد که موضوعاتی که وقف به آنها اختصاص داده عمدتاً در جهت تقویت ساختارهای سرمایه

انسانی بوده است. در صورتی که بپذیریم سرمایه انسانی ریشه در نظریه توسعه اقتصاد کلان دارد مدرسه، آموزش و بهداشت و درمان و غیره می‌تواند به عنوان سرمایه انسانی تلقی نمود (Ibid) و وقف را به عنوان یکی از منابع سنت دینی با توجه به عنوان یکی از منابع سنتی دینی در این مسیر تحلیل کرد.

فهم نظریه سرمایه انسانی

«سرمایه انسانی یک عنصر کلیدی در بهبود دارایی‌ها و کارمندان یک شرکت یا سازمان و نهاد به منظور افزایش بهره‌وری و همچنین حفظ مزیت رقابتی است. در حقیقت، برای حفظ رقابت‌پذیری، طبیعی است که سرمایه انسانی در سازمان به ابزاری تبدیل شود که موجب افزایش بهره‌وری آن سازمان یا شرکت گردد» (MariMuth et al, ۲۰۰۹: ۱۸۰; See Rizvi, also, ۲۰۱۱: ۲۶۱). از این‌رو، سرمایه انسانی یک پایه و بنیاد مهم برای سازمان‌ها به ویژه برای بهبود مستمر کارکنان جهت افزایش مهارت‌ها، دانش و توانایی آنها است. همچنین براساس نگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی «سرمایه انسانی دانش، مهارت، شایستگی‌ها و ویژگی‌های تجسم‌یافته در افراد است که ایجاد رفاه فردی، اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می‌کند» (Ibid). اگرچه، مفهوم سرمایه صرفاً به بازرگانی و تحقیق و توسعه در این حوزه مربوط است، اما سرمایه انسانی بسیار مهم‌تر بوده و ابعاد گسترده‌تری را به خود اختصاص می‌دهد» (Ballot et al, ۲۰۰۱: ۴۵۰). با این حال، این سرمایه عمدتاً در حال تغییر وضعیت است و غالب شرکت‌ها در پاسخ به این تغییرات، مفهوم سرمایه انسانی را در نظر گرفته‌اند که مزیت رقابتی خوبی داشته و باعث افزایش عملکرد سازمانی آنها می‌شود. بنابراین، طبیعی است که توسعه سرمایه انسانی به بخشی از تلاش کلی برای دستیابی به عملکرد مقرون به صرفه شرکت‌ها تبدیل شود.

با وجود این، «در فرایند توسعه، سرمایه انسانی برای یک ملت ارزشمندترین دارایی است. همچنین، برای خلق ثروت علاوه بر اینکه به سرمایه فیزیکی و مالی و نیروی کار غیرماهر و زمین نیاز است به نیروی انسانی ماهر احتیاج بیشتری وجود دارد. به طور کلی، زمانی می‌توان از توسعه پایدار در یک جامعه سخن گفت که نظیر بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته روی انسان‌ها سرمایه‌گذاری کرد؛ چرا که هر چند کشوری منابع طبیعی فراوان داشته باشد، اما بدون نیروی انسانی ماهر، نمی‌تواند به ظرفیت‌های حقیقی و کامل خود دست یابد» (Alani and Isola, ۲۰۰۹: ۶۳). از سوی دیگر، نوآوری‌های فنی که در



کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد، نتیجه توسعه سرمایه انسانی است. توانایی مشارکت مردم در فرآیند توسعه نیز با توسعه ظرفیت‌های خلاقانه مردم افزایش می‌یابد. از این‌رو، توسعه سرمایه انسانی بر آن دسته از فعالیت‌هایی متمرکز خواهد شد که در جهت تولید جمعیتی با دانش، مهارت، انگیزه، نگرش و تجربه شغلی مناسب مورد نیاز برای توسعه کشور باشد.

در همین راستا، برخی اشاره کرده‌اند که «سرمایه انسانی تجمیع دارایی‌های نامشهود افراد مانند مهارت‌ها، دانش، تجربه و غیره است. سرمایه انسانی را می‌توان مانند سایر دارایی‌هایی کیک شرکت که قابل مبادله و بهره‌برداری است، شناسایی و ارزشمند تلقی کرد. این نکته نیز مهم است که سرمایه انسانی به شدت بی‌ثبات و مجموعه‌ای از ظرفیت‌هاست که با خروج کسانی که این سرمایه را در اختیار دارند، احتمالاً از بین می‌رود» (Germon et al, ۲۰۰۱: ۲۷۶). بنابراین، «سرمایه انسانی مجموعه‌ای از دانش و مهارت است که منجر به توانایی انجام کار برای تولید ارزش اقتصادی می‌شود. این دانش و مهارت در همان زمینه‌هایی سودمند است که کارگران از طریق آن تجربه به دست می‌آورند. از این‌رو، «مفهوم و چشم انداز سرمایه انسانی از این واقعیت ناشی می‌شود که هیچ جایگزینی برای یادگیری و دانش، قابلیت‌ها و شایستگی‌ها، نوآوری و خلاقیت وجود ندارد» (Rizvi, ۲۰۱۱: ۲۶۳). از این‌رو، سرمایه انسانی شامل دانش، مهارت‌ها، تجربه و قابلیت‌های مدیران و کارکنان شرکت‌هایی است که همگی در آن شرکت وظیفه‌ای برعهده داشته و تمامی این مهارت‌ها و دانش‌ها و تجربه از طریق یادگیری فردی است که صورت می‌گیرد. بنابراین، سرمایه انسانی دامنه‌ای وسیع‌تر از منابع انسانی داشته و ادبیات آن به سمت پذیرش ایده حرکت کرده‌و به سمت اشتراک‌گذاری دانش بین گروه‌ها حرکت کرده و در فرآیندهای سازمانی نهادینه شده است.

در هر صورت، آلانی و ایزولا (۲۰۰۹) بر این باورند که سرمایه انسانی به انسان‌هایی اطلاق می‌شود که دارای دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی هستند که در «فرآیند تولید» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، اعتقاد بر این است که سرمایه انسانی مهمترین عامل تولید است؛ چون سایر عوامل تولید را در تولید کالاها و خدمات برای مصرف انسان هماهنگ می‌کند. همچنین فعال‌ترین کاتالیزور توسعه و رشد اقتصادی است (Alani and Isola, ۲۰۰۹: ۶۳). جئونگ (۲۰۰۲) با تأیید دیدگاه آلانی و ایزولا معتقد بود «سرمایه انسانی از نیروی کار کیفی در تولید به مهارت و سلامت تعدیل شده و پیونده خورده

است» (Jeong, 2002: 338). همچنین ماریموتو و همکاران (2009) در تأیید هر دو دیدگاه اما متفاوت از آنها در بحث از کار و سرمایه بر این باورند که «از نظر اقتصاد کلاسیک سرمایه انسانی، کار را به عنوان یک کالای قابل معامله و خرید و فروش در نظر می‌گیرد. این نظریه کلاسیک بر استثمار نیروی کار توسط سرمایه‌دار متمرکز است. با این حال، برخلاف سنت کار، سرمایه انسانی به دانش، مهارت و تخصص فرد از طریق آموزش اشاره دارد» (MariMuth et al, 2009: 189).

آموزش و توسعه سرمایه انسانی

نخستین عاملی که می‌تواند موجب توسعه در سرمایه انسانی شود، آموزش است. به طور کلی، متغیرهای آموزشی عامل مهمی برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بوده‌اند. به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که سیستم آموزشی رسمی مکانیسم اصلی نهادی برای توسعه دانش و مهارت‌های انسانی است. اکثر کشورهای در حال توسعه اکنون بر این باورند که گسترش سریع فرصت‌های آموزشی کلید توسعه ملی و اقتصادی آنها است (Asteriou and Agiomirgianakis, 2001: 483). با این حال، مک دونالد و رابرتز به این نتیجه رسیدند که سرمایه آموزشی به عنوان عاملی در تعیین رشد برای سرمایه انسانی، به تنهایی یک عامل بالقوه بوده و کافی نیست. اگرچه، همین آموزش اهمیت اثرات ثابت خاص زمان، آنچه که موجب پیشرفت فنی می‌شود و در نهایت شرایط اولیه برای ایجاد فناوری‌های روز را به چالش می‌کشد (McDonald, and Roberts, 2002: 272).

از سوی دیگر، برخی معتقدند «این فرض که آموزش موتور محرکی برای رشد انسانی است، در هر کشوری بر اساس کیفیت و کمیت آموزشی است که در آن وجود دارد. در همین راستا، شواهد تجربی مدل سرمایه انسانی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در آموزش با توسعه و رشد اقتصادی همبستگی مثبت دارد. علاوه بر اینکه که آموزش به راحتی قابل دستیابی نیست، بلکه آموزش یک کالای اقتصادی است و باید در بین اقشار مختلف و طبقات اجتماعی تقسیم شود (Olaniyan and Okemakinde, 2008: 160). با این حال، اقتصاددانان به دلیل سودمندی که آموزش برای مصرف‌کنندگان دارد و همچنین به عنوان عاملی که بر تولید سایر کالاها و خدمات تأثیرگذار می‌گذارد، آن را هم کالای سرمایه‌ای می‌دانند و هم کالای مصرفی قلمداد می‌کنند. به عقیده آنها آموزش، می‌تواند به عنوان سرمایه‌ای خوب برای توسعه منابع انسانی مورد نیاز و نیز تحول اجتماعی و



اقتصادی در نظر گرفته شود. در حقیقت، تمرکز بر آموزش به عنوان یک کالای سرمایه‌ای است که می‌تواند به مفهوم سرمایه انسانی ارتباط داده شده و از این جهت به عنوان عاملی مهم در فعالیت‌های تولیدی برجسته شود. آموزش باعث بهبود شهروندان می‌شود و همچنین به ارتقای استاندارد زندگی عمومی در یک جامعه کمک می‌کند.

بنابراین، از این جهت تولید شهروندی کیفی با آنچه که به عنوان عامل تغییرات مثبت اجتماعی تلقی می‌شود، همراه است. این باور در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد که آموزش عامل تغییر است. در بسیاری از این کشورها، درک عمومی خوبی از آموزش عالی وجود دارد و مردم تلاش می‌کنند برای ارتقاء خود و فرزندانشان در این خصوص هزینه کنند. از این رو، اعتقاد بر این است که هزینه‌هایی که شهروندان برای آموزش عالی می‌دهند، علاوه بر اینکه آنها را به لحاظ کیفی تقویت می‌کند، موجب رشد اقتصادی هم می‌شود. در واقع، نظریه سرمایه انسانی تأکید می‌کند که چگونه آموزش با افزایش سطح شناختی توانایی‌های انسانی مولد اقتصادی تولید می‌کند و کارایی و بهره‌وری کارگران را افزایش می‌دهد. سطح موجودیت شناختی، در حقیقت محصول سرمایه‌گذاری در موجودات انسانی و توانایی‌های ذاتی آنهاست. به عبارت دیگر، طبق این نظریه، جمعیتی که تحصیل کرده است، یک جمعیت مولد است.

طرفداران این نظریه ارائه آموزش رسمی را به عنوان یک سرمایه‌گذاری مولد در سرمایه انسانی قلمداد نموده و آن را ارزشمندتر از سرمایه فیزیکی می‌دانند. آنها سه استدلالی که آن را مبنای عقلانیت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی می‌دانند اینگونه بیان می‌کنند که (۱) نسل‌های جدید باید دانشی را که قبلاً توسط نسل‌های قبلی خود انباشته شده است، منتقل کنند. (۲) مردم باید تشویق شوند تا از طریق رویکردهای خلاقانه ایده‌های کاملاً جدید، فرآیندهای جدید، محصولات جدید و روش‌های جدید ایجاد کنند. و در نهایت (۳) لازم است به نسل جدید آموزش داده شود که چگونه از دانش موجود برای توسعه محصولات جدید، برای معرفی فرآیندها و روش‌های تولید جدید و خدمات اجتماعی استفاده شود (Olanian and Okemakinde, ۲۰۰۸: ۱۶۲).

با وجود این، نظریه سرمایه انسانی هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه توجیهی برای هزینه‌های کلان عمومی جهت آموزش فراهم می‌کند، که مبتنی بر بازده اقتصادی و سرمایه‌گذاری در سطح کلان و خرد است. رشد سریع اقتصادی برای جامعه، نتیجه تلاش برای ترویج سرمایه‌گذاری برای افرادی است که چنین سرمایه‌گذاری

بازدهی را در قالب دستاوردهای فردی و موفقیت اقتصادی فراهم می‌کنند (Ibid).

آلانی و ایزولا (۲۰۰۹) بیان کردند که سرمایه انسانی به معنای انسان‌هایی است که به دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای توسعه ملی دست یافته‌اند. این منابع انسانی یا خوداشتغال هستند یا در سازمان‌ها مشغول به کار هستند. دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که از طریق شکل‌گیری سرمایه انسانی به دست می‌آید، نتیجه سرمایه‌گذاری برای انسان است. آلانی و ایزولا بر این باورند که در فرایند توسعه، سرمایه انسانی زمانی اهمیت می‌یابد که برای یک جامعه، انسان به عنوان ارزش‌مندترین دارایی تلقی گردد. در واقع، برای خلق ثروت علاوه بر اینکه به سایر عوامل تولید مانند سرمایه فیزیکی و مالی و حتی نیروی کار غیرماهر و زمین نیاز است آنچه می‌تواند در این بخش توسعه‌ای ایجاد نکند نیروی انسانی ماهر یا همان سرمایه انسانی است. بسیاری از کشورهای جهان برای ایجاد توسعه پایدار بر همین مسئله تمرکز کرده‌اند (Alani and Isola, ۲۰۰۹: ۶۵-۶۶). در حقیقت، کشوری حتی با وجود داشتن منابع طبیعی فراوان، بدون نیروی انسانی ماهر، نمی‌تواند به ظرفیت کامل خود دست یابد. نوآوری‌های فنی که در کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد، نتیجه توسعه سرمایه انسانی است. توانایی مشارکت مردم در فرآیند توسعه با توسعه ظرفیت‌های خلاقانه آنها افزایش می‌یابد. تمرکز توسعه سرمایه انسانی بر کلیه فعالیت‌هایی است که در جهت تولید جمعیتی با دانش، مهارت، انگیزه، نگرش و تجربه شغلی مناسب مورد نیاز برای توسعه کشور است. توسعه انسانی با تحقق اهداف توسعه ملی رخ می‌دهد چون انسان‌ها نیز به دنبال برنامه‌هایی هستند که مروج توسعه است. بنابراین در فرایند توسعه، اهمیت منابع انسانی است که اصل توسعه را برای ساختارهای سیاسی و اجتماعی ملزم می‌کند.

در نهایت، برخی بر این باورند که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی مبتنی بر هر فعالیتی است که منجر به بهبود کیفیت (بهره‌وری) کارکنان می‌شود. بنابراین آموزش بخش مهمی از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بوده و البته به دانش و آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که افراد برای افزایش توانمندی‌های خود برای انجام فعالیت‌ها به آن نیاز دارند و تحت آن قرار گرفته و دارای ارزش اقتصادی هستند. مطالعاتی که در خصوص اهمیت آموزش برای نیروی کار انجام شده نشان داده که سرمایه‌گذاری در آموزش هم از نظر فردی و هم از منظر اجتماعی بسیار مطلوب است، در حالی که عدم آموزش نیروی



کار با رقابت‌پذیری پایین مرتبط است (Rizvi, ۲۰۱۱: ۲۷۰). در حقیقت، سرمایه انسانی باعث ایجاد هزینه در تحقیق و توسعه می‌شود که منبعی انگیزشی برای کارگران بوده، تعهد آنها را افزایش داده و در نهایت راه را به طور کلی برای تولید دانش جدید برای اقتصاد و جامعه هموار می‌کند. بنابراین، بهره‌وری بیشتر و حقوق بالاتر با موجودی بیشتر سرمایه انسانی مرتبط است. سرمایه انسانی نیز یک دارایی گرانبها برای کسب و کارهای کوچک است و ارتباط مثبتی با عملکرد کسب و کار دارد.

نقش وقف اسلامی در توسعه آموزش

مطالعات اسلامی وقف نشان می‌دهد، آموزش اساس رشد فکری در جامعه است و برخی مطالعات مطالعه نشان می‌دهد که در تاریخ اسلام، وقف از طریق اشاعه معرفت، نقش مهمی در رشد فکری مردم داشته است. مطالعه منان نشان داد که وقف به تأسیس مدارس و کتابخانه‌های عمومی و تحقق آرمان‌ها در آموزش و پژوهش اسلامی کمک کرده است. از منابع وقف برای ساخت کتابخانه‌ها، سالن‌های مطالعه، سایر فعالیت‌های تحقیقاتی مانند خدمات کپی‌برداری از نسخه‌های حرفه‌ای، توسعه مراکز هنری و موزه‌ها و همچنین برای ایجاد خوابگاه‌ها و اقامت‌گاه‌های دائمی جهت اندیشمندان و دانشجویان استفاده شده است. همچنین تجربه تاریخی مسلمانان نشان می‌دهد که از وقف برای تشویق و توسعه پژوهش‌های علمی استفاده نموده و بخشی از درآمدهای املاک وقفی نیز به حمایت از ترجمه دیگر متون علمی اختصاص داده و با حمایت صندوق‌های وقف، دانشمندان مسلمان کتاب‌های فراوانی نوشته و ترجمه کرده‌اند (Mannan, ۲۰۰۵: ۱۸).

حسن سامی با اشاره به تجربیات جوامع مختلف بیان می‌کند که در بسیاری از کشورها، وجوه وقف برای سه هدف اصلی مرتبط با توسعه اجتماعی و انسانی یعنی آموزش، خدمات شهری و بهداشت و درمان مورد استفاده قرار گرفته است. حسن (۲۰۰۶) اظهار داشت که اسلام بر آموزش و پرورش تأکید دارد و دانشگاه الازهر مصر یکی از قدیمی‌ترین و یکی از مقرهای بزرگ مورد حمایت اوقاف اسلامی است. حسن توضیح می‌دهد که آموزش و پژوهش و برخی دانشگاه‌ها و مدارس و یتیم‌خانه‌ها برای نسل‌ها در دریافت وجوه وقف در جوامع مسلمان موفق بوده‌اند. به طور مثال، وقف یکی از اساسی‌ترین نهادها برای آموزش در بخش‌های مختلف آسیای جنوبی بوده است. در جنوب آسیا مانند بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر، تقریباً تمام مدارس فعال از طریق بسیاری از بودجه‌های

اوقاف تأسیس و تأمین مالی و مدیریت می‌شوند. در مالزی، صندوق‌های اوقاف مؤسسات آموزشی اسلامی، به ویژه پوندوک‌ها (مدارس شبانه‌روزی) را تأسیس و راه‌اندازی کرده‌اند (Hasan, 2006: 9-12). زوکی با اشاره به برخی مطالعات بیان می‌کند که «وقف اسلامی یک نهاد قدرتمند است که حامی جامعه بود و این کار را از طریق برنامه‌های آموزشی فراهم کردن زیرساخت‌ها و تقویت بهداشت عمومی انجام می‌دهد» (Zuki, 2012: 50).

در جهت این دیدگاه برخی اشاره کرده‌اند که غیرقابل فسخ بودن، ابدی بودن و غیرقابل انکار بودن سه اصل اساسی در قانون وقف اسلامی است که بر امانتی بودن آن تأکید جدی دارد. علاوه بر این، برای چیزی یا کسی می‌توان وقف کرد که واجد شرایط و کیفیت بوده و شایستگی آن را داشته باشد. در واقع، این شرط نشان می‌دهد که هدف نهایی وقف، تحقق امری خیرخواهانه است. این واقعیت که اموال وقفی برای پیشرفت آموزش اختصاص داده می‌شد، به اندازه کافی گواه بر این است که هدف آموزش به دیگران یک امر خیرخواهانه می‌باشد. از این رو، آموزش، پس از مساجد دومین نهاد اجتماعی است که حمایت و سرمایه‌گذاری وقف را به خود اختصاص داده است. در واقع، آموزش مذهبی در مساجد، دومین ذینفع بزرگ از درآمدهای وقف و تحقق آموزش مناسب بوده که در ابتدای اسلام هزینه‌های آن از طریق کمک‌های داوطلبانه تأمین شده است (Abdullah and Joseph, 2011).

در خصوص مراکز آموزشی و کتابخانه‌هایی که در کشورهای اسلامی در قالب وقف ایجاد شده فرانکل تأکید می‌کند که موقوفات مذهبی تعداد زیادی از مؤسسات آموزشی مانند مدارس، کتابخانه‌ها، دارالقرآن‌ها و دار الحدیث‌ها را تأمین مالی می‌کردند که در سراسر شام گسترش داشتند. نکته قابل توجه این است که در اسناد وقفی آنها، برنامه‌های درسی این مؤسسات نیز تعیین شده بود (Frenkel, 2009: 150). بابکان (2011) با اشاره به پژوهش‌های متعدد استدلال کرد که تأسیس مدارس یک خدمت اجتماعی مهم است که وقف ارائه می‌دهد. بابکان توضیح می‌دهد که در دوره عثمانی، تعداد مدارس آموزش عالی ساخته شده توسط اوقاف پس از فتح قسطنطنیه (استانبول) تا قرن نوزدهم به بیش از 500 مدرسه رسید. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که حتی دولت‌های اسلامی با ساخت مدارس و اختصاص برخی اموال به عنوان وقف مدارس، هزینه‌های آموزشی خود را تأمین کرده‌اند. براساس منابع تاریخی، نمونه‌های خوب وقف‌هایی است که ایوبیان و مملوکان در مصر، سوریه و فلسطین انجام داده‌اند (Babacan, 2011: 70).

از این‌رو، در آغاز قرن دوازدهم اورشلیم دارای شصت و چهار ملک وقفی بود که از



فلسطین، سوریه و ترکیه پشتیبانی می‌شد و چهل مدرسه از این مدارس توسط حاکمان ایوبی و مملوک و والیان آنها ساخته شده بود. دانشگاه الازهر، شناخته شده‌ترین مدرسه در جهان اسلام، در طول اعصار که در سال ۹۷۲ در کارو (مصر) تأسیس شد، نمونه دیگری است که مانند هر مدرسه‌ای با وقف یک صندوق خیریه تأسیس شد و از طریق درآمدهای وقف آن تأمین می‌شد تا سال ۱۸۱۲ که دولت محمد علی در مصر کنترل اوقاف را به دست گرفت. با این حال، توجه به این نکته نیز مهم است که تأمین هزینه‌های آموزشی بواسطه وقف رویکرد فرا دینی داشت. به این معنا که صرفاً استفاده از وقف محدود به هزینه‌کردهای مطالعات و پژوهش‌های دینی نبود و معمولاً کتاب، کتابخانه، کمک هزینه به دانش‌آموزان و حقوق معلمان و سایر کارکنان را پوشش می‌داد. از این‌رو، این بودجه به ایجاد طبقه‌ای فرهیخته جدای از طبقات حاکم و ثروتمند جامعه کمک کرد و موجب شد غالب علمای مسلمانی که از اقشار فقیر جامعه بودند بواسطه همین آموزش‌های مبتنی بر وقف باعث ایجاد فرایند بسیار مهم و بی‌سابقه‌ای از تغییرات اجتماعی پویا و اثربخشی در جوامع اسلامی شوند (Abdullah and Joseph, ۲۰۱۱).

با وجود این به نمونه‌هایی از این مدارس می‌توان اشاره کرد که در نوع خود بی‌نظیر هستند. به طور مثال، «مدرسه نیزمیا» در سال ۴۵۹ هجری قمری در بغداد تأسیس و در آن کتابخانه‌ای ایجاد گردید که هزینه‌های نگهبان و سرپرست کتابخانه نیز از موقوفات پرداخت می‌شد. همچنین، ام‌الملک، بنیانگذار مدرسه، پول زیادی را برای آموزش دانش‌آموزان و خرید کتاب‌های ارزشمند وقف کرد. المنتصر بالله خلیفه عباسی در سال ۶۲۳ هجری قمری موقوفات عظیمی را در بغداد به خود اختصاص داد. به طور مثال، مدرسه مستنصریه را در سال ۶۳۱ هجری قمری وقف و تأسیس کرد که نمونه آن در جهان بسیار کم ساخته شده است. همسر خلیفه عباسی المستعصم بالله، کتاب و پول زیادی را وقف کرد و کتابخانه البشیریه را در سال ۱۲۵۵ میلادی در بغداد تأسیس نمود. در این کتابخانه سازوکاری تعبیه شده بود که کتاب‌ها امانت داده می‌شد و کسانی که میل به بودن در کتابخانه نداشتند از این طریق از کتاب‌های وقفی استفاده می‌کردند. ظاهر بیبرس در سال ۱۲۷۹ مدرسه الظاهریه را در دمشق تأسیس کرد. مدرسه الظاهریه موقوفات زیادی به آن اختصاص داشته که از طریق درآمدهای آن کتابخانه عظیم ظهریه ساخته شد که حاوی کتاب‌های زیادی است. این کتابخانه اکنون بخشی از کتابخانه ملی سوریه است. در مکه مکرمه مدرسه سلطان قیطبای در سال ۸۸۴ هجری قمری افتتاح شد و موقوفات

زیادی داشت (۲۰۱۵,Asrohah: ۲۸۰).

در این میان سهم دو عنوان وقفی در حوزه آموزش برجسته است. نخست سهم زنان مسلمان زنان که منعکس‌کننده نقش خیرخواهانه مؤثر آنها در توسعه تمدن اسلامی است. به طور مثال، شمس الذوحه، نوه صلاح الدین ایوبی، علاوه بر تأسیس بسیاری از مدارس دیگر، مدرسه معروف المعتصمیه را در بغداد تأسیس کرد. عصمت الدین سیت الشام بنت عیب بن شادی (۱۲۲۰ م ق) به دلیل فعالیت‌های ساختمانی خود شهرت داشت و یک مقبره، و خانه خود را بازسازی کرد تا به مدرسه الشامیه الجنیه تبدیل شود. دو مدرسه یک مدرسه الشمسیه در تعز یمن و مدرسه دیگری به همین نام در زبید توسط آل ضر الشمس، دختر سلطان منصور بن رسول تأسیس شد که او وقف خوبی به آنها اختصاص داد. در یمن، مریم (۱۳۱۳ م م)، همسر سلطان مظفر مدرسه معتبر السبقیه را ساخت و وقف کافی به آن اختصاص داد. در دوران معاصر در شبه جزیره عربستان و به ویژه در نجد، فاطمه بنت حمد الفاضلی معروف به الشیخه الفاضلیه (۱۸۴۷-۴۸ م) کتاب‌های زیادی وقف نمود. او علاقه زیادی به جمع‌آوری کتاب‌ها با موضوعات مختلف داشت و تمام کتاب‌هایی که جمع‌آوری کرده بود را به دانش‌آموزان حنبلی هدیه کرد (Abdullah and Joseph, ۲۰۱۱).

دوم؛ وقفی است که تأمین‌کننده بودجه‌های مراکز آموزشی پزشکی بوده و حقوق اساتید و هزینه‌های نگهداری از مراکز و دانشجویان آن را پوشش داده است. در حقیقت، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که وقف از بودجه‌هایی که برای تشویق توسعه علوم پزشکی هزینه شده، حمایت کرده و از طریق ایجاد دانشکده‌های پزشکی، بیمارستان‌ها و با تشویق توسعه طب و شیمی، تسهیلاتی را برای آموزش و بهداشت عمومی بهتر در جامعه مسلمین فراهم نموده است. در این مورد دو موقفه مهم را می‌توان نام برد. نخست دانشکده پزشکی المنصوریه است که توسط منصور بن قلاوون در سال ۶۸۳ هجری قمری در مصر تأسیس شد. همراه با گنبد منصوریه، یک رصدخانه نجومی نیز وجود داشت که هر دو دارای مغازه‌ها و زمین‌های زارعی موقوفی زیادی بودند که از عایدات آن برای این دو مرکز استفاده می‌شد. مورد دیگر، دانشکده طب الدنیسریه بود که در سال ۶۸۶ هجری قمری با وقف عمادالدین محمد الدنیسری با هدف آموزش پزشکی و فارغ التحصیلی پزشکان تأسیس شد. با حضور در این بیمارستان‌ها، دانشجویان با داروها و کاربردهای آنها آشنا می‌شدند. با این حال، آموزش پزشکی منحصر به دانشکده‌های پزشکی نبود و در مساجد و دانشگاه‌هایی مانند الازهر نیز این آموزش‌ها رایج بود (Abattouy, Al-Hassani, n.d).



بهداشت و درمان و توسعه سرمایه انسانی

سلامت و قدرت جسمی، روحی و اخلاقی، اساس تولید و خلق ثروت مادی و البته توسعه صنعتی است. عکس این جمله نیز درست خواهد بود که اهمیت اصلی ثروت مادی در این واقعیت نهفته است که وقتی عاقلانه مورد استفاده قرار گیرد، سلامت و قدرت جسمی، ذهنی و اخلاقی نژاد بشر را افزایش می‌دهد (World Bank, ۱۹۹۱). نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که سلامت و تغذیه بهتر بهره‌وری کارگران را افزایش داده، موجب کاهش تعداد روزهای بیماری آنها شده و عمر کاری بالقوه‌شان را طولانی می‌کند. براساس همین گزارش در سیرالئون، افزایش ۱۰ درصدی کالری دریافتی کارگران مزرعه‌ای که ۱۵۰۰ کالری در روز مصرف کرده بودند، نشان داد که تولید آنها ۵ درصد افزایش داشته است. نتایج مشابهی در میان کارگران راه‌سازی کنیا نیز همین میزان افزایش را با توجه به همان میزان مصرف کالری نشان می‌دهد. همچنین کاهش بیماری و ناتوانی بواسطه طرح ریشه‌کنی مالاریا در سریلانکا در دهه ۱۹۴۰ منجر به افزایش ده درصدی درآمد سالانه کشاورزان شده است. مطالعه باستا و همکاران (۱۹۷۹) روی کارگران یک شرکت لاستیک‌سازی در اندونزی نشان داد که درمان کم‌خونی کارگران با قرص آهن به مدت ۶۰ روز منجر به افزایش بهره‌وری ۱۵ تا ۲۰ درصد رشد کاری آنها شده در حالی که هزینه سرانه این قرص‌ها ۰/۰۸ دلار بوده است. و در نهایت لوین (۱۹۸۶) دریافت که به ازای هر ۱۰ درصد افزایش سطح هموگلوبین، ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش کارایی کارگران بالاتر بوده است. تحلیل داده‌های نظرسنجی بانک جهانی (۱۹۹۱) از خانوارهای ۹ کشور دنیا نیز نشان می‌دهد که اثرات اقتصادی بیماری ممکن است قابل توجه باشد. یک کارگر در پرو به طور متوسط ممکن است انتظار داشته باشد که ۴/۵ روز در ماه بیمار باشد و در نتیجه حدود یک روز کار را از دست بدهد. در غنا، ارقام مربوطه ۳/۶ و ۱/۳ روز بود و در ایالات متحده، کارگران بین ۱۸ تا ۴۴ سال به طور متوسط یک چهارم کار روزانه را در یک ماه از دست داده‌اند (bid). راثو بر این عقیده است که بهره‌وری با تعداد ساعات کار و شدت آن تعیین می‌شود و فرد مبتلا به سوء تغذیه یا بیمار نمی‌تواند طولانی‌مدت یا به درستی کار کند. همچنین، نبود امکانات پزشکی بهره‌وری را بیشتر کاهش داده است. به علاوه اینکه، افزایش هزینه برای مواد غذایی، رژیم غذایی، مسکن بهتر و کنترل بیماری‌های واگیر را می‌توان نوعی سرمایه‌گذاری دانست؛ چرا که کیفیت زندگی را در همه جا افزایش داده است (Rao, ۱۹۹۵).

در همین راستا، آلانی و ایزولا اشاره کردند که سرمایه‌گذاری در امکانات و خدمات بهداشتی، آموزش رسمی، آموزش بزرگسالان، آموزش در حین کار و مهاجرت باعث ارتقای توسعه سرمایه انسانی می‌شود و در نتیجه توانایی‌های انسان را بهبود می‌بخشد. آنها تأکید می‌کنند که ارائه امکانات و خدمات بهداشتی به مردم نیز راهی برای توسعه سرمایه انسانی است؛ زیرا خدمات مراقبت‌های بهداشتی امید به زندگی را افزایش می‌دهد و اطمینان حاصل می‌کند که کارگران برای مدت طولانی تا رسیدن به سن بازنشستگی می‌توانند به توسعه ملی کمک کنند و همچنین اطمینان حاصل کنند که در نتیجه مرگ زودرس منابع سرمایه‌گذاری شده در آنها هدر نمی‌رود. خدمات بهداشتی همچنین با بهبود قدرت افراد تضمین می‌کند که آنها برای کار مولد، سالم باقی می‌مانند. برنامه‌های سازماندهی شده کارفرمایان برای آموزش نیروی کار در حین کار نیز یک راه حیاتی برای توسعه سرمایه انسانی باقی می‌ماند که هنوز هم برخی از شکافها را در توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های سرمایه انسانی که از طریق آموزش رسمی به مردم منتقل می‌شود، پر می‌کند (Alani and Isola, 2009: 70).

نقش وقف اسلامی در مراقبت‌های بهداشتی

بسیاری بر این باورند که بخشی زیادی از درآمدهای حاصل از موقوفه‌ها به مراقبت‌های بهداشتی و توسعه پزشکی انسانی اختصاص داشته و دارد. منان معتقد است که «بیمارستان‌ها و داروها یکی از برجسته‌ترین زیرمجموعه‌های وقف بوده و مسلمانان تا نیمه اول قرن بیستم به تأسیس مراکز بهداشتی و بیمارستان‌های وقفی ادامه داده و این بیمارستان‌ها اکنون نظیر بیمارستان کودکان در ترکیه، به سمت تخصصی شدن رفته‌اند (Mannan, 2005: 19). همچنین مطالعات نشان می‌دهد که درآمدهای حاصل از موقوفه‌ها علاوه بر اینکه خرج ساخت بیمارستان‌ها می‌شد، در جهت توسعه اقداماتی ساختاریافته همچون خدمات بهداشتی، پوشش هزینه‌های بیماران و تربیت پزشک و آموزش‌های پزشکی، نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال، خدمات بیمارستان‌ها رایگان بود، اگرچه امکان داشت پزشکان هزینه‌هایی را از مردم دریافت کنند. مسلمانان ثروتمند، به ویژه حاکمان، اموال و درآمدهای جمع‌شده از مغازه‌ها، آسیاب‌ها، کاروانسراها یا حتی کل روستاها را که وقفی بودند را صرف ساخت و نگهداری نهاد پزشکی می‌کردند. به طور مثال، خلیفه ولید بن عبدالملک در سال ۸۸ هجری قمری اولین کسی بود که بیمارستان



ساخت و پزشکان پولی را برای مراقبت از بیماران و قرنطینه جذامیان منصوب کرد. درآمدهای حاصل از وقف هزینه‌های نگهداری و جاری بیمارستان را پرداخت می‌کرد و حتی پس از ترخیص بیمار گاهی اوقات کمک هزینه اندکی به بیمار داده می‌شد. چنین بیمارستانی در قرن سوم هجری در سراسر جهان اسلام گسترش یافت و مایه شکوفایی بیشتر جامعه مسلمانان شد. بیماران درمان، مراقبت، غذا و پوشاک دریافت می‌کردند. علاوه بر این، بسیاری از این بیمارستان‌ها در کنار درمان بیماران، به عنوان یک مرکز آموزش پزشکی عمل می‌کردند. بیمارستان‌های ایجاد شده وقفی تأثیر عمده‌ای در ارائه مراقبت‌های بهداشتی به همه اقشار جامعه به ویژه ارائه کمک‌های پزشکی به بیماران فقیری و نیازمندی است که در بیمارستان و یا در خانه بستری بودند و از نظر مداوا و تغذیه نیاز به حمایت‌های جدی پزشکی داشتند (see; Abattouy, Al-Hassani, n.d).

با توجه به قانون وقف اسلامی، تعداد بیمارستان‌ها در سراسر جهان اسلام به شدت افزایش یافت. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که در قرن یازدهم، شهرهای مختلفی در جهان اسلام وجود داشت که بیمارستان‌های زیادی داشتند. مؤسسات وقفی، بیمارستان‌ها را برای پرداخت هزینه‌های مختلف مانند دستمزد پزشکان، جراحان، چشم پزشکان، داروسازان، داروخانه‌ها، خرید دارو، مواد غذایی و کادر درمان تأمین کرده و تجهیزات بیمارستانی مانند تخت، تشک و تعمیر ساختمان‌ها را با درآمدهای حاصل از موقوفات انجام می‌دادند. نمونه‌های مختلفی از بیمارستان‌های معروف از جمله المستصری در مکه، ارگون الکاملی در حلب و بیمارستان‌های مدینه، تونس، ری، غرناطه و مراکش نشان‌گر آن است که بودجه وقف موجب گستردگی فعالیت‌ها و تنظیم امور روزانه‌شان بوده است. در اینجا نیست همچون آموزش نباید از موقوفاتی که زنان در بخش خدمات بهداشتی داشتند، غفلت کرد. عمده وقف‌هایی که زنان در حوزه بهداشت و دارمان انجام داده‌اند علاوه بر اینکه برای ایجاد مراکز آموزشی پزشکی بوده عمدتاً مربوط به ایجاد بیمارستان‌ها و ارائه درمان رایگان به بیماران فقیر می‌باشد. زنان، وقف‌هایی نیز برای مراقبت‌های بیمارستانی از کودکان انجام داده‌اند. در این بیمارستان‌ها پرستارانی حضور داشتند که از بچه‌ها مراقبت می‌کردند. همچنین، در همین بیمارستان‌ها مهد کودک‌هایی ایجاد شده بود که پرستاران از کودکانی که خارج از ازدواج شرعی متولد شده بودند نگهداری کرده، خدمات پزشکی و بیمارستانی را برای آنها فراهم کرده و مادرانی آنجا حضور داشته‌اند که به این کودکان بی‌سرپرست شیر می‌دادند (Ibid).

در این میان احمد ابن طولون از والیان دوره عباسی در سال ۲۶۱ هجری قمری در مصر اولین بیمارستان را ساخت و چندین موقوفه برای تأمین هزینه‌های آن وقف نمود. او همچنین به این بیمارستان، حمام‌های مردانه و زنانه را اضافه کرد. وقتی بیماران به بیمارستان می‌آمدند، لباس‌ها و پول‌هایشان نزد منشی بیمارستان سپرده شده، لباس‌های بیمارستانی می‌پوشیدند و تا زمان بهبودی از وسایل و لباس‌های آنها مراقبت می‌شد. همچنین، صلاح الدین ایوبی در مصر، بیمارستان بزرگی را در قاهره تأسیس کرد که شامل سه بخش مجزا برای مردان، زنان و دیوانگان بود. عضدالدوله دیلمی در ضلع غربی بغداد بیمارستان عضدی را با هزینه‌های هنگفتی برای ارائه بهترین مراقبت‌های پزشکی موجود در آن زمان ساخته است. ساخت این بیمارستان سه سال طول کشید و در سال ۹۷۸ میلادی به پایان رسید. مورد دیگر، بیمارستان نوری است که از بیمارستان‌های معروف جهان اسلام در سال ۱۱۴۵ میلادی و در دمشق ساخته شد. این بیمارستان به مدت هفتصد سال فعال بود و یکی از اولین بیمارستان‌هایی بود که به درج سوابق پزشکی بیماران پرداخت. این بیمارستان دارای دو پزشک، یک جراح، یک متخصص چشم، یک داروساز، ده خدمتکار برای بیماران، یک آشپز و یک دستیار آشپزخانه، یک سرایدار و دربان بود. از آن به عنوان یک دانشکده پزشکی نیز استفاده می‌شد که از جمله ابن نفیس بسیاری از پزشکان برجسته از آن فارغ التحصیل شدند. این بیمارستان وقفی تمام هزینه‌های غذا، مسکن، دارو و درمان بیماران را پوشش داده و پزشکان با درآمد حاصل از موقوفات حقوق و پاداش خوبی دریافت می‌کردند. و در نهایت، مجموعه قلاوون که توسط سلطان ناصر محمد بن قلاوون در سال‌های ۱۲۸۴-۸۵ میلادی در محله بین القصرین در قلب قاهره ساخته شد، سازه‌ای عظیم شامل یک بیمارستان، یک مدرسه و یک مقبره بود که در زمان خودش مجلل‌ترین و چشمگیرترین بیمارستان بود که در اواخر دوره عثمانی فعالیت بسیار زیادی داشت و در سال ۱۹۱۰ تخریب شد. در مدرسه، آموزه‌های چهار حوزه حدیث و طب و حقوق و قرآن به بچه‌ها آموزش داده می‌شد. شفاخانه مجتمع قلاوون امکانات بسیاری از جمله غذا، دارو، پوشاک و سرپناه را در کنار مداوای پزشکی به بیماران و فقرا ارائه می‌داد. در داخل بیمارستان نیز در خصوص داروها، درمان‌های پزشکی و پژوهش می‌شد و جنبه آموزشی نیز داشت (Ibid).

حسن سامی با اشاره به حمام‌های عمومی آنها را یکی از زیرمجموعه‌های مهم دیگر وقفی مسلمانان در حوزه بهداشت و درمان قلمداد کرده است. به نظر او، در روزهای آغازین



اسلام، حمام عمومی به یکی از ذینفعان اصلی اوقاف تبدیل شد؛ زیرا پاکیزگی بخش عمده‌ای از نظام اعتقادی اسلامی بود. به عقیده سامی، در بسیاری از کشورهای مسلمان از جمله پاکستان، بنگلادش، مالزی، یمن، اردن و مصر، بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی دولتی ایجاد شده و توسط موقوفه‌های بزرگ حمایت می‌شوند. بنیاد همدارد، موقوفه بزرگی است که از سال ۱۹۰۶ به تولید و توزیع داروهای گیاهی و مقوی در پاکستان می‌پردازد (Hasan, ۲۰۰۶: ۹-۱۲). فرانکل چنین موقوفاتی را به عنوان مؤسسات عمومی تلقی کرده است. به عقیده او این موقوفات مذهبی ابزاری ویژه برای ارائه خدمات امدادی به مردم بوده و تلاش آنها این است که در قالب بیمارستان‌ها سایر مراقبت‌های درمانی را به بیماران نیازمند ارائه دهند. بسیاری از سلاطین و نایب السلطنه آنها از طریق اوقاف برای ساخت و نگهداری بیمارستان‌ها در سوریه و تأمین امکانات بیمارستانی در مکان‌هایی خاص، موجب تحولی جدید در تاریخ سوریه شدند (Frenkel, ۲۰۰۹: ۱۶۰).

در نهایت، منان پروف نیز با تأکید بر گفته‌های فرانکل براساس مطالعات شخصی نشان داد درآمدهای وقف برای مراقبت‌های بهداشتی و توسعه پزشکی انسانی استفاده می‌شد و در حوزه توسعه فهم پزشکی دانشجویان با حضور در بیمارستان‌هایی که وقفی بود با داروها و کاربردهای آن آشنا می‌شدند. با این حال، آموزش پزشکی علاوه بر دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌ها در مساجد و دانشگاه‌هایی مانند الازهر در قاهره نیز ارائه می‌شد. منان همچنین با ذکر مثال‌هایی نقل می‌کند که بیمارستان موقوفه‌ای در استانبول به طور خاص برای درمان کودکان ساخته شده است. همچنین بیمارستان موقوفه‌ای در اسپانیا را فراتر از بحث دین و مذهب گذاشته و علاوه بر مسلمانان به غیرمسلمانان نیز به طور رایگان ارائه خدمات می‌کند و این نشان از نوعی توسعه سرمایه انسانی در گامی وسیع‌تر از مذهب است (Mannan, ۲۰۰۵: ۱۹).

نتیجه‌گیری

بررسی نظریه سرمایه انسانی نشان داد که توسعه سرمایه انسانی در گرو افزایش سطح دانش، مهارت، توانایی‌ها، سلامت، ارزش‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی آدمی است. در حقیقت، همگی اینها سرمایه‌هایی است که می‌تواند موجب ارتقاء و تسهیل در رفاه فردی، اجتماعی و اقتصادی انسانی شود. از سوی دیگر، نهاد وقف قرار دارد که برخاسته از سنت دینی بوده و طی سالیان متمادی باعث ارتقاء وضعیت آموزشی، بهبود سلامت و افزایش بهره‌وری در جهت توسعه سرمایه انسانی شده است. در این مقاله با بررسی مطالعات وقف در کشورهای اسلامی نشان داده شد که مجموعه اقداماتی که در این حوزه صورت گرفته بیش از هر چیز مربوط به آموزش و مراقبت‌های بهداشت و درمان بوده است. در حوزه آموزش، وقف مدارس و کتابخانه‌های عمومی توانسته به آرمان‌های اسلامی در توسعه علم و دانش منجر شود. وقف برای آموزش محدود به تأسیس ساختمان‌ها نبوده بلکه کتاب، ابزارهای علمی، ترجمه متون، کپی‌برداری از نسخه‌های حرفه‌ای و توسعه موزه‌ها و خوابگاه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی را نیز در برداشته است. علاوه بر اینکه وقف به دانش‌های تخصصی از جمله آموزش‌های پزشکی نیز توجه خاص و حرفه‌ای کرده است. بررسی این مطالعات همچنین نشان داد که نقش وقف در مراقبت‌های پزشکی نیز بی‌سابقه و بی‌بدیل است. نگاه واقفان به بخش‌های مختلف پزشکی ستودنی است. علاوه بر توسعه ساختمان‌های پزشکی، بخش عمده‌ای از درآمدهای حاصل از موقوفات تأمین‌کننده هزینه‌های جانبی بهداشت و درآمد از جمله هزینه‌های بیماران، خرید دارو، مواد غذایی و تجهیزات بیمارستانی همچون تخت، تشک و تعمیر ساختمان‌ها بوده است. به علاوه اینکه نقش زنان در موقوفات مربوط به دو حوزه آموزش و مراقبت‌های بهداشتی برجسته و ستودنی است.

- Abattouy, Prof. Mohammed and Al-Hassani, Prof. Salim T S (n.d) “The Role of Waqf in Developing Islamic Civilization: Definition, History, Functions and Articulations with Society”, Article Contributed by the Foundation for Science, Technology and Civilization, UK, In the Book on: King. Abdul Aziz Endowment for the Two Holy Mosques, Riyadh, KSA, **Desert Press**.
- Abdullah-Al-Mamun and Joseph Adaikalam (2011), “Examining the Level of Unsatisfied Basic Needs among Low-Income Women in Peninsular Malaysia”, International Research, **The Journal of Finance and Economics**, No 74, pp 89-96.
- Alani, R. A. and Isola W. A (2009), “Human Capital Development in Nigeria”, **The Institute of Organization and Management in Industry**, Vol. 5, No.3, pp. 58 – 71.
- Asteriou, D. and Agiomirgianakis G.M (2001), “Human capital and economic growth Time Series evidence from Greece”, **The Journal of Policy Modeling**, Vol. 23, No.5, pp. 481–489.
- Babacan, Mehmet (2011), “Economics of Philanthropic Institutions, Regulation and Governance in Turkey”, **The Journal of Economic and Social Research**, Vol. 13, No.2, pp 61-89.
- Ballot, Ge´rard; Fakhfakh, Fathi and Taymaz, Erol (2001), “Firms’ human capital, R&D and Performance: a study on French and Swedish firms”, **The Journal of Labor Economics**, Vol.8, No.4, pp. 443–462.
- Bassanini, Andrea and Scarpetta, Stefano (2002), “Does human capital matter for growth in OECD countries? A pooled mean-group approach”, **The Economics Letters**, Vol. 74, No.3, pp. 399–405.
- Germon, Rony; Laclemece, Patrick and Birregah, Babiga (2011), “A Matrix Approach for Threat Assessment on Human Capital in SMEs”, **International Journal of Business and Management Studies**, Vol. 3, No 2, pp. 273-282.
- Hanun Asrohah(2015), “ waqf and its contribution in education in historical perspective”, **el-Qist Journal of Islamic Economics and Business (JIEB)**, Vol. 2, No 2, pp.279-292.
- Hasan, Sami (2006), “Muslim Philanthropy and Social Security: Prospects, Practices, and Pitfalls”, **Paper presented at the 6th ISTR Biennial Conference held in Bangkok**, 9-12.
- Mannan, Prof. Dr. M. A. (2005), “The Role of Waqf in Improving the Ummah Welfare” Presentation at the International Seminar on Islamic Economics as Solution, **organized by Indonesian Association of Islamic Economists and Muamalat Institute**, Jakarta Medan, Indonesia, 18-19.
- Mari Muthu, M.; Arokiasamy, L. and Ismail, M. (2009), “Human Capital Development and its Impact on Firm Performance: Evidence from Developmental Economics”, **The Journal of International Social Research**,

Vol. 2, No 8, pp 265-272.

- McDonald, Scott and Roberts, Jennifer (2002), "Growth and Multiple Forms of Human Capital in an Augmented Solow Model: A Panel data Investigation", *The Economics Letters*, Vol. 74, No 2, pp. 271-276.
- Olaniyan. D.A and Okemakinde, T. (2008), "Human Capital Theory: Implications for Educational Development", *The European Journal of Scientific Research*, Vol.24 No.2, pp.157-162
- Rao, T.V (1995), Human Resources Development, Experiences, Interventions, *Strategies National Book Foundation*, Islamabad, Pakistan.
- Rizvi, Yasmeen (2011), "Human capital development role of Human Resource (HR) during Mergers and acquisitions", *The African Journal of Business Management*, Vol. 5, No. 2, pp. 261-268.
- World Bank (1991), World Development report, New York: *Oxford University Press*.
- Zuki, Mazrul Shahir Md (2012), "Waqf and Its Role in Socio-Economic Development", *ISRA International Journal of Islamic Finance*, Vol. 4, No. 2, pp. ۱۷۸-۱۷۳.